

میدون و سوفیا

آیا مسئولان اعلامیه هستند؟!



✎ **پوریا عالمی**

• سلام سوفیا. الان که دیگه سیل و زلزله نیست، به نظرت مدیران و مسئولان ما دارند چی‌کار می‌کنند؟

- هیچی میدون دوم. رفتند مرخصی که خستگی سیلی که آمد را در کنند.

: کاش سیل بابای تو را هم می‌برد سوفیا تا من و تو به هم برسیم.

- بین میدون دوم، بابای من بیدی نیست که با این سیل‌ها خیس شود. حالا تو کلا تحلیلت برای بحران‌ها چیست؟

: همین دیگر. ما تا بحران به وجود نیاید، نمی‌توانیم بهش فکر کنیم. برای همین مدام سر گران‌شدن قیمت نان و پوشک و گوشت و مرغ اعلام بحران می‌کنیم! سر آمدن هر زلزله‌ای اعلام بحران می‌کنیم! سر آمدن سیل که حتما اعلام بحران می‌کنیم! سر مرگ‌ومیر به دلیل کیفیت پایین خودروهای مونتاژی همیشه اعلام بحران می‌کنیم! سر جاده‌های غیراستاندارد بعد از هر تصادفی اعلام بحران می‌کنیم! سر سقوط هواپیما اعلام بحران می‌کنیم! سر آتش‌گرفتن ساختمان‌ها و پلاسکو اعلام بحران می‌کنیم! سر بخاری نفتی مدارس اعلام بحران می‌کنیم! سر فروریختن سقف مدارس هم‌که هر دفعه اعلام بحران می‌کنیم! سر اختلاس و پول‌شویی‌ها هم که اعلام بحران می‌کنیم! سر مسئله داروهای وارداتی هم اعلام بحران می‌کنیم! سر قضیه آلودگی هوا هم روزی یک‌بار اعلام بحران می‌کنیم! همون‌طور که می‌بینی، مسئولان ما بیشتر از اینکه مدیر باشند، اعلامیه هستند.

- حالا ما باید چی‌کار کنیم؟

: هیچی دیگسر سوفیا. یک چوک قدیمی می‌گوید یک ایرانی اگر به دلیل آلودگی هوا، تصادفات جاده‌ای، سقوط هواپیما، سیل، زلزله، آتش‌سوزی و... نمیرد، حتما از خوشحالی سخته می‌کند و می‌میرد!

آمار

رتبه ۴۲

• **کیوو**: روند بین‌المللی مطالعات علمی و ریاضیات، به اختصار تیمز، مجموعه‌ای از آزمون‌های بین‌المللی در مورد سواد ریاضیاتی و علمی دانش‌آموزان در سراسر جهان است. دانش‌آموزانی از کشورهای مختلف در این آزمون شرکت می‌کنند. در هر کشور، حداقل چهارهزارو ۵۰۰ تا پنج هزار دانش‌آموز درباره وضعیت آموزش ریاضیاتی و علمی‌شان مورد پرسش قرار می‌گیرند. این آزمون از سال ۱۹۶۴ در حال برگزاری است و ایران از سال ۱۹۹۵ به‌طور مستمر در آن شرکت می‌کند. برخی کشورهای دنیا مانند نروژ نسبت به نتایج این آزمون و آزمون‌های مشابه آن‌قدر حساس‌اند که نمره پایین‌تر از حد استاندارد دانش‌آموزان، به برگزنی وزیر آموزش این کشور منتهی می‌شود.

متولی اجرای این آزمون انجمن بین‌المللی ارزیابی پیشرفت تحصیلی است که علاوه بر تیمز، ده‌ها آزمون تطبیقی برای دانش‌آموزان جهان برگزار می‌کند. ایران تنها در سه آزمون شرکت می‌کند: آزمون تیمز برای دانش‌آموزان ۱۰-ساله و ۱۴ساله و آزمون پرلز برای دانش‌آموزان پایه چهارم که به سنجش پیشرفت سواد خواندن اختصاص دارد. آزمون تیمز متشکل از دو بخش عمده است: بخش علوم که شامل اطلاعاتی کلی در مورد جانداران، علوم زیستی، علوم زمین، فیزیک و فرایند تحقیق علمی است و بخش ریاضیات که مواردی از قبیل هندسه، دکت عددی و محاسباتی دانش‌آموزان را دربر می‌گیرد.

آخرین آزمون تیمز در سال ۲۰۱۵ برگزار شده است. در بخش علوم این آزمون، دانش‌آموزان سنگاپور، کره‌جنوبی و ژاپن به ترتیب بیشترین امتیاز را از آن خود کردند. در آن سوی مقیاس دانش‌آموزان کویتی، مراکش و سعودی کمترین نمرات را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش ریاضیات سنگاپور، هنگ‌کنگ و کره‌جنوبی کشورهای اول و کویت، آفریقای جنوبی، مراکش و عربستان سعودی کشورهای انتهای لیست هستند.

در این میان دانش‌آموزان ایرانی در دروس علوم با کسب نمره ۴۲۱، در رده ۴۳ در میان ۴۷ کشور شرکت‌کننده قرار دارند. تنها یک درصد دانش‌آموزان ایرانی نمره بسیار خوب در این سال کسب کرده‌اند؛ ۹ درصد امتیاز بالا، ۳۳ درصد نمره متوسط و ۶۱ درصد نمره پایین را کسب کرده‌اند. میانگین نمره آنها در علوم زیستی ۴۱۷، در فیزیک ۴۲۳ و در زمین‌شناسی ۴۰۸ بوده است. در دروس ریاضی نیز ایرانیان با امتیاز ۴۳۱، رتبه ۴۲ را از میان ۴۹ کشور شرکت‌کننده به خود اختصاص داده‌اند. نمره دانش‌آموزان ایرانی در بخش اعداد و محاسبات ۴۳۵، در بخش هندسه و اندازه‌گیری ۴۲۸، و در بخش نمایش داده‌ها ۴۱۶ بوده است.

شترخوار

روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۸
۵ شعبان ۱۴۴۰
۱۱ آوریل ۲۰۱۹
سال شانزدهم
شماره ۳۴۰۰
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵
اذان مغرب ۱۹:۵۲
اذان صبح فردا ۵:۰۹
طلوع آفتاب ۶:۳۶

روزنارخوار

کارتون خواب

✎ **سباستین تیبالت**



پیشنهاد

خط‌های گچی

به زبانی ناآشنا می‌خواند و «گوش نامحرم» را جای «پیغام سرورش» نمی‌دانند و رمزگشایی و تاویل را به عهده خود آنها می‌گذارند و ما را در مقابل یکی از هستی‌شناسانه‌ترین پرسش‌ها قرار می‌دهند: در پس یکی از بی‌آبروترین محکمه‌ها و حکم‌های تاریخ غرب، چه راز و چه پیامی نهفته است؟ حکم مرگ انسانی‌که همچنان پس از گذشت قرن‌ها ما را به پرسش از باورهای جاافتاده و به‌چالش‌کشیدن آنها دعوت می‌کند و دفاع از آزادی اندیشه!

نویسنده و کارگردان نمایش «سقراط»، وفادار به سنت نمایش یونانی و وفادار به سقراط، از تماشاگر انتظار «دانستن» ندارد اما امیدوار است با آنچه در پیش‌روی او قرار می‌دهد، او را دعوت به تاویل و تفسیر کند تا شاید حتی با «بان بی‌زبانی» نمایش نیز «آشنا» شود! سقراط نعیمی، سقراط ماست و از همان اعصار گذشته، ابزار تحلیل وضعیت حال را در اختیار ما قرار می‌دهد و مواجعه تاریخ‌یونان و تاریخ ایران را به رخمان می‌کشد؛ مگر نه اینکه، در طول نمایش به‌دفعات به ما یادآوری می‌شود که آتنی‌ها به سقراط، لقب خرمکس داده بودند و ما با ظرافت، در فضای جمله مشهوری از او قرار می‌گیریم که می‌تواند درباره ما ایرانیان هم صادق باشد: آتنی‌ها همچون اسب، زین اما تتیلند؛ نیش سقراط / خرمکس برایشان خطرناک نیست اما شاید تلنگری باشد منجر به اندیشیدن... چراکه به قول تامس برنهارد،

نمایش‌نامه‌نویسی از دورانی دیگر و جغرافیایی دیگر؛

بطالت و بیهودگی درباره آن کس که می‌اندیشد، معنایی ندارد. از این نمایش گفتن و از بازی‌های بسیار بویانی/غربی، به ما یادآوری می‌کند؛ او برای این کار از همه ابزارهای این سنت به‌خوبی استفاده کرده و ما را با جملات و حرکات پیچیده، پرمدعا و به‌اصطلاح روشن‌فکرانه باب روز، خسته و سرخورده نمی‌کند، بلکه همه عوامل را در جهت سرگرمی و لذت تماشاچی به کار می‌گیرد، هر چند از منظور اصلی نیز هرگز غافل نمی‌ماند: نقش‌آفرینان، با آوای خوش، حرکات موزون دلپذیر، ورزش‌های مدرن، موسیقی و شعر از سیاست، قانون و فرهنگ می‌گویند و وظایف شهروندی را به تماشاچیان یادآوری می‌کنند...

موسیقی همراه با همسر/ایان/تک‌سرایی غیرمعمول که در سنت یونان باستان، نقش افکار عمومی را ایفا می‌کردند و از دلنگرانی‌ها و رازها می‌گفتند، در اینجا می‌گردن!

جوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد، استاد دانشگاه کلمبیا و اقتصاددان ارشد مؤسسه روزولت در سایت project-syndicate.org تحلیلی ارائه داده است که بخشی از آن را می‌خوانید:

حملات رئیس‌جمهور آمریکا به نهادهایی که وظیفه‌شان یافتن حقیقت است، رشد و رونق اقتصادی و قابلیت‌های دموکراتیک این کشور را به خطر می‌اندازد. شرکت‌های غول‌آسا، نهادهایی را که قرار است از شهروندان عادی محافظت کنند، در چنگ خود گرفته‌اند. این از نوع آن دنیاهای ویران‌شده‌ای است که تاکنون فقط نویسندگان آثار علمی-تخیلی توانسته بودند آنها را پیش چشم ما زنده کنند.

استعفاي اجباري کريستين نيلسن وزير امنيت ملي آمريکا هيچ جای جشن‌گرفتن ندارد. درست است که او از جدایی اجباري خانواده‌های مهاجر در مرز ايالات متحده و فرستادن بچه‌های کوچک در قفس حمايت می‌کرد اما کنار گذاشتن او باعث هيچ بهبودي در اوضاع نخواهد شد، زيرا رئيس‌جمهور دونالد ترامپ



✎ **فرانک آرتا**

امروز صبح پنجشنبه، ۲۲ فروردین ۹۸ پیکر محمد مطیع، هنرمند ایرانی مقیم سوئد، پس از تشییع در گورستان شهر گوتنبرگ خاک‌سپاری می‌شود. او که اواخر دهه ۶۰ از ایران مهاجرت کرده بود، به دعوت محمدرضا ورزی، کارگردان سریال‌های تلویزیونی، دوباره برای بازی دعوت شد. به همین دلیل با ورزی درباره انگیزه‌های همکاری با این بازیگر گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

✎ علت علاقه شما به محمد مطیع چه بود؟

من از دوران نوجوانی، اوایل دهه ۶۰ که استاد محمد مطیع در سریال‌های فاکر تلویزیونی بازی می‌کردند، به‌شدت به ایشان علاقه پیدا کردم. اولین مواجهه‌ام با ایشان، دیدن تله‌تئاتر «پهلوان و جراح» بود. به یاد دارم در آن زمان در تعدادی تله‌تئاتر بازی کردند که یکی از آنها همین «پهلوان و جراح»، به نویسندگی هوشنگ مرادی‌کرمانی و تهیه‌کنندگی، کارگردانی سعید نیک‌پور بود. ایشان در کنار زنده‌یاد سروش خلیلی بازی داشت که فوق‌العاده بود. بعد از آن در سریال‌های «شاه‌زاده»، ساخته مرحوم احمد نجیب‌زاده بازی کرد که قریب‌به‌اتفاق بازیگران آن مانند نعمت‌الله گرجی و ... به رحمت خدا پیوستند. در سریال «شاه شکار» هم در نقش متفاوت میرزا رضای کرمانی بازی داشت که به تهیه‌کنندگی سعید نیک‌پور بود. بعد هم در سریال «سلطان و شبان» نقش «وزیر اعظم» را بازی کرد. در سریال امیرکبیر (سعید نیک‌پور) هم نقش میرزا آقاخان نوری و در سال ۱۳۶۶ هم در سریال «کوچک جنگلی» نقش احسان‌الله‌خان را بازی کرد. در سریال «هزارستان» هم نقش «غلام‌عمه» را بازی کرد که در همه آنها بازی‌های عالی داشتند. در طول این سال‌ها هم در فیلم‌های سینمایی مثل «آوار»، «وکیل اول»، «گردباد»، «روزهای انتظار» و ... بازی کرد، اما متأسفانه در اوج بازیگری جلای وطن و از ایران مهاجرت کرد.

✎ به نظر شما چرا مهاجرت کرد؟

۱۴ سال‌ها خیلی از هنرمندان ما مهاجرت کردند؛ مانند علیرضا مجمل و سوسن تسلیمی. معتقدم که جای این بزرگان را نمی‌توان پر کرد. آنها تکرارناپذیر هستند. به نظر مثال سوسن تسلیمی و فاطمه معتمد‌آری هیچ‌وقت تکرار نمی‌شوند. من همیشه دوست داشتم که بتوانم روزی این بازیگران را دور هم جمع کنم تا مقابل دوربین حضور پیدا کنند.

✎ **البته چنین کاری را زنده‌یاد علی حاتمی**

توانست انجام دهد...

استاد علی حاتمی، طلایه‌دار این ماجرا بودند. ایشان چنین جاده‌ای را هموار کردند. امثال استاد حاتمی، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، کیهان رهگذر، محمدعلی نجفی و ... الگوی نسل ما بوده و هستند. جالب است وقتی با آقای مهدی هاشمی صحبت می‌کردم، ایشان می‌گفت که از همکاران و اطرافیان من اکثرا مهاجرت کردند و ظاهرا فقط من در ایران ماندم.

✎ **چطور شد که از آقای مطیع دعوت به همکاری کردید؟**

در سال ۱۳۸۴ مشغول ساخت مینی‌سریالی به نام «در خوانده» بودم که از طریق خانم فریده دریاچه‌د که بازیگر من بودند متوجه شدم که استاد مطیع به ایران آمده‌اند. همان زمان درخواست کردم که امکانش هست ایشان را به صحنه دعوت کنید. خوشبختانه ایشان به دور از هرگونه تکلفی پذیرفتند. ما این متعجب نمی‌شویم که چرا خرابه‌های آتن را تقریبا کار نکردیم. همگی با ایشان کلی صحبت کردیم. روز خوبی شد. همان موقع به ایشان گفتم تمایل دارم با شما همکاری کنم، اما در پاسخ گفتند: «من از بازیگری یک خاطره‌ای در ذهنم داشتم که آن را در ذهنم delete کردم!». من هم گفتم بالاخره هر delete را می‌توان recovery کرد که در نهایت هم

یادداشت

مخرب‌ترین میراث ترامپ

چنین نامعقول و از لحاظ اخلاقی مسئله‌دار توانسته است به عنوان رئیس‌جمهور چنین کشوری انتخاب شود، عمیق‌تر فکر کنیم. اما آنچه بیشتر از همه سبب نگرانی من می‌شود، اخلاقی است که ترامپ در نهادهای ضروری برای عملکرد درست جامعه ایجاد کرده است...

آدام اسمیت نشان داد که ثروت هر کشور به خلاقیت و بهره‌وری مرد آن بستگی دارد و روحیه کشف علمی و نوآوری‌های فناورانه عامل آن است. این امر به پیشرفت مداوم در سازمان‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وابسته است و تبدیل تعقل به گفتمان عمومی، اما با حمله ترامپ و دولت او به هر یک از ستون‌های برپادارنده جامعه آمریکا امکان ثروتمندشدن این جامعه و توانایی اجرای دموکراسی در آن به خطر می‌افتد. اکنون از این فکر که چه کسی در این دنیا «برنده خواهد بود» و ما صرفا در تقلا برای زنده‌ماندن به چه کسی یا چه چیزی تبدیل خواهیم شد، لرزه بر تن ما می‌افتد.

روایت

محمدرضا ورزی از همکاری با محمد مطیع گفت و پیشنهاد داد

نصب سنگ مزار نمادین در قطعه هنرمندان به نام این هنرمند



از سمت راست: ایرج راج، محمد مطیع و محمدرضا ورزی

با پخش این سریال، آقای کریم مسیحی برای فیلم «تردید» از ایشان دعوت کرد. بعد از آن هم در چندین سریال مانند «سال‌های مشروطه» در نقش «آتابک»، «تیریز در مه» در نقش «میرزا ابوالقاسم فراهانی» همکاری مشترک داشتیم. بعد از آن هم در کارهای دیگر بازی کردند.

✎ چرا دوباره آقای مطیع به سوئد برگشت؟

همچنان من با ایشان در ارتباط بودم. اما ظاهرا یکی از دلایل دلخوری ایشان از برخی افرادی بود که با او تسویه‌حساب نکرده بودند! ضمن اینکه به دلیل بیماری و گران‌بودن هزینه‌های پزشکی مثل دارو مجبور شدند به سوئد برگردند. حتی پیشنهاد دادم که داروهای بیشتری خریداری کنید و با خود به ایران بیاورید. اما گفتند که من چند وقت یک‌بار باید چک‌آپ شوم. چون ظاهرا دوبار عمل قلب باز کرده بودند. باین‌حال تقریبا سه روز یک‌بار، تصویری با ایشان حرف می‌زدم. آهنگ بنان را برایش می‌فرستادم. چون عاشق صدای بنان بود. سکانس‌های بازی‌اش را می‌فرستادم. می‌گفتت حالم خوش نیست. اما وقتی تو این چیزها را برایم می‌فرستی، حالم بهتر می‌شود.

✎ چطور متوجه فوت ایشان شدید؟

من شب چهارشنبه‌سوری که متصادف با روز پدر بود، برای ایشان پیام تبریک فرستادم، اما متوجه شدم که پیام را ندیده است. دوباره فردا تماس تصویری گرفتیم. باز جواب ندادم. خلاصه خیلی نگران شده بودم، چون محال بود جوابم را ندهند. کم‌کم نگران شدم تا اینکه کسی از سوئد تماس گرفت و خیلی صریح به من گفتند که ایشان درگذشته است. باور نکردم. چون گاهی اوقات شوخی می‌کرد و من را سرکار می‌گذاشت. تا اینکه از طریق دوستی در سوئد موضوع را با آقای مجمل در میان گذاختم که متأسفانه موضوع را تأیید کردند؛ واقعا شوکه شدم. شب عیدی موضوع را با آقای ایرج راد در میان گذاختم. خلاصه عید غربی بود. خدا ایشان را رحمت کند. آقای مطیع مثل پدرم بود.

✎ چرا ایشان را در ایران به خاک نسپردند؟

اتفاقا این موضوع را با پسر ایشان در میان گذاشتیم. حتی آقای راد گفتند وزارت ارشاد قبول همکاری می‌دهد که هزینه‌های انتقال ایشان به تهران فراهم شود تا در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شوند، اما خانواده نپذیرفتند. باین‌حال من دو پیشنهاد دارم؛ اول اینکه یک سنگ مزار نمادین در قطعه هنرمندان برای استاد محمد مطیع بگذارند تا پادشاه هوااره باقی ماند. دیگر اینکه مطیع بگذارد تا پادشاه میثاقی را به اسم ایشان نام‌گذاری کنند. شورای شهر تهران و شهرداری کار شایسته‌ای در این‌باره انجام دادند. امیدوارم درباره استاد مطیع هم چنین کنند.

✎ آن زمان مدیران سیما با بازی محمد مطیع مشکلی نداشتند؟

به هیچ عنوان. جا دارد از آقایان ضرغامی، رئیس وقت صداوسیما، دکتر میرباقری، معاون وقت سیما و آقای فرجی، مدیر وقت شبکه تشر کنم که نه‌تنها مشکلی نداشتند، بلکه به شبکه‌های دیگر پیشنهاد دادند که از حضور ایشان در کارهای نمایشی دعوت کنند.